

هدم حجیت استصحاب در لوازم عقلیه

سابقاً مقاله‌ای در حجیت استصحاب نوشته‌ام که در مجله طبع گردیده اینکه توضیح میدهم استصحاب از ادله عقلیه است و حجیت آن در عقود و ایقادات و فروعات از مسلمیات علمای امامیه و اکثر علمای شافعیه گردیده ولی حجیت آن در احکام شرعیه مورد اختلاف گردیده بعضی استصحاب را مطلقاً حجت میدانند چه در احکام تکلیفیه و چه در احکام وضعیه چه در اصول احکام و چه در لوازم عقلیه آن و بعضی مطلقاً قائل به عدم حجیت آن گردیده‌اند و بعضی قائل به تفصیل گردیده است استصحاب حال را حجت دانسته اند برخلاف اکثر علمای حنفی و مرحوم سید مرتضی هم قائل بعدم حجیت گردیده ولکن عقیده محققین از علماء حجیت استصحاب است و با تبع در عقود و ایقادات و فروعات مکشوف میگردد که مدار علماء عظام عمل با استصحاب است و دلیل آنها این است باعلم بوجود سابقه امر بحکم عقل ثبوت آن باقی است و باید قائل شویم به بقاء ماکان علی ماکان وطن به بقاء هم هست و در مقابل ظن و هم است باحتمال اینکه حالت سابقه تغییر نموده نمیتوان از مظنوں صرف نظر نمود حکام شرع هم در استنباطات در احکام میگویند هذاماً ادی الیه ظنی و کلاماً ادی الیه ظنی فهو حکم الله اخبار کثیره هم بر حجیت ظن و عمل بظن رسیده است و احتمال در مقابل ظن که قوی است بی اثر است در امور عادی هم بالعیان مشاهده میکنیم که پیشرفت با قوی است و ضعیف تاب مقاومت باقی ندارد بنابراین حجیت استصحاب در احکام وضعیه و تکلیفیه ثابت است اماد لوازم عقلیه حجیت استصحاب مورد تأمل است و بهیچوچه ملازمه ندارد که استصحاب را که شارع در موردی حجب قرار داده باید در لوازم آنهم حجت باشد صبی سراحت که کامل العقل است مداخله او را در اموال عقد جایز میداند ولی شارع در واجبات و محرمات تکلیف دیگر فرموده او را منوع المداخله در اموال نموده - ازدواج دختر با کره رشیده بحکم عقل بلامانع است ولی شارع اذن پدر را لازم دانسته ، گفتگو در حجیت لوازم است که بعضی گویند بحکم عقل استصحاب در لوازم هم حجیت است که اگر زوجیت مشکوک شد و با استصحاب حکم به بقاء زوجیت گردید نفقات هم که از لوازم زوجیت است ممکن است مستصحاب شود و این استصحاب هم حجت است ولی جمیع استصحاب در لوازم را حجت نمیدانند زیرا بقاء ماکان علی ماکان نمیشود و از این جهت است که استصحاب در لوازم را حجت نمیدانند بعضی برای حجیت در لوازم استدلال نموده‌اند باینکه ظن به بقاء غلبه دارد برطن به تغییر ولذا استصحاب در لوازم که مفید ظن است حجت است مضافاً باینکه هرگاه استصحاب در لوازم را حجت ندانیم باید اغماض از بسیاری از اصول عملیه نمائیم مثل اصالت عدم قرینه و اصالت عدم الفسخ و اصالت عدم الاشتراك و اصالت عدم التخصیص زیرا مدرک این اصول استصحاب است در لوازم است و این بیانات قابل مناقشه است زیرا مدرک اصول مذکوره استصحاب نیست دلائل دیگر است مثل لاتفاق الیقین بالشك و امثال آن - با تبع در اخبار

و مدارکی که برای حجیت استصحاب در نظر گرفته شده هیچگدام شامل لوازم عقلی استصحاب نیست، بطور اجمال اشاره بآنها میشود برای حجیت استصحاب عمدہ دلیل این است که چون زمان انسداد باب علم است و در احکام تکلیفیه وضعیه محتاجیم لذا با استصحاب عمل مینمائیم که مفید ظن است در حقیقت عمل بطن میشود و این دلیل باقطع نظر از اینکه جماعتی ظن را در احکام کافی نمیداند برفرض ظن حجت باشد و با استصحاب حاصل شود ابدآ شامل لوازم نیست بعضی را عقیده آنستکه در زمان انسداد باب علم باید باحتیاط عمل نمود یا مستمسک باصل برائت شد و علی ای حال با استصحاب لوازم ظن هم حاصل نمیشود یکی از فضله تفصیل قائل شده میگوید لوازم برد و قسم است قسمتی از قبیل ترتیب سبب و سبب است مثل زوجیت که اگر با استصحاب حکم به بناء زوجیت شد لوازم آنهم که نفقات است استصحاب آن بلا مانع است و حجت است و لوازم غیر مترقبه استصحاب آن صحیح نیست چون دلائلی که مفصل است در نظر است مبنی بر عدم حجیت استصحاب لوازم لذا ناتمامی این مقاله را ببعد موکول مینمائیم و در موقعي که دسترسی به حکام شرع نباشد ولایت با عدول مؤمنین است که اقدامات لازمه را نمایند حفظ اموال ایتمام و صغار را نمایند عمل آنها سوجب ثواب است و عقاب هم ندارد خداوند در قرآن فرموده **والمؤمنون بعضهم أولياء بعض بمحبوب اين آيه شريفه وبمحبوب ماعلي المحسنين هن سبيل شباب وماجر هستند آقایان تضيات داد گستري و وکلاه عظام هم اگرا هتمام در امور مسلمین نمایند البته شباب و ماجر خواهند بود وبمقتضای آيه شريفه و المؤمنون اجر جزيل خواهند داشت و خداوند ذيل همين آيه فرموده سير حمهم الله البته خداوند جزاي خير میدهد زيرا هيج عبادتی بهتر از اهتمام با امور مسلمین نیست که فرمودند هن لم يهتم بامور المسلمين فليس منهم بمحبوب آيه شريفه **تعاونوا على البر والتقوى** معاونت با بندگان خدا که وداعی الله هستند مورث سعادت دارین آنها خواهد گردید.**